

مطالبه دانشجویی



عدم مطالبه تخصصی

جنبش دانشجویی را کم اثر کرده است

مرز میان آنارشیسم و مطالبه‌گری

فعالیت‌ها یا بهتر است بگوییم واکنش‌های اجتماعی دانشجویان در چند قالب می‌گنجد. از جمله فعالیت تشکیلاتی، نارضایتی آرمانگرایانه، نارضایتی مدام منفعلانه، نارضایتی منجر به مخالفت با جاشنی ژست اپوزیسیون که همه منشعب از جنبش دانشجویی هستند. فرقی هم نمی‌کند چه اندازه از عمر این جنبش گذشته باشد. نمی‌توان گفت که نوع نگاه تشکل‌های دانشجویی به قدرت باید حتماً سلبی یا ایجابی باشد. علتش هم این است که در این وسط نفس به دست آوردن قدرت، موضوعیت ندارد. جریان دانشجویی برای رفع مشکلات مردم و پیشرفت کشور باید اصل را بر مطالبه‌گری بگذارد و آنجا که وظیفه‌اش است به صورت سلبی عمل کند، سلبی عمل کند و آنجا هم که وظیفه‌اش این است تا از طریق کسب قدرت مشکلات را حل کند، وظیفه خود را انجام دهد.

وقتی برای اصلاح یک وضعیت مطالبه‌گری می‌کنیم طبیعی است که این مطالبه‌گری نباید مفسده بزرگ‌تری به همراه خود داشته باشد و اگر قرار باشد پیگیری یک مطالبه از یک مجموعه یا نهادی با آنارشیسم همراه باشد اسم آن دیگر مطالبه‌گری نیست بلکه هرج و مرج است. اما نکته دیگر اینجاست که هیچ نهاد، مجموعه و فردی نباید از نقد جریان دانشجویی احساس مصونیت کند و این نکته‌ای است که بارها خود رهبر معظم انقلاب نیز بر آن تأکید کرده‌اند و به کرات نیز در دیدارهای دانشجویی سالانه با دانشجویان و تشکل‌های مختلف انتقاد خود را نسبت به حتی شخصی خود رهبر معظم انقلاب نیز بیان و ایشان نیز از این مسئله استقبال کرده‌اند، برخلاف بسیاری از مسئولانی که حتی حاضر به شنیدن سخنان دانشجویان نیز نیستند یا در صورت شنیدن انتقاد، به سختی بر خورد می‌کنند، بنابراین این مسئله به خوبی نشان می‌دهد که حد و مرزی برای نقد مسئولان از سوی جریان دانشجویی وجود ندارد به شرطی که انتقادات نیز اصولی، منطقی و دلسوزانه و چه بهتر که توأم با راه‌حل باشد.

امروز جنبش دانشجویی از اولویت‌های اصلی کشور که ی‌سان ۸۰ میلیون جمعیت در ارتباط است، جدا شده‌اند و دغدغه تشکل‌های مختلف اعم از اوولگرا و اصلاح‌طلب و انقلابی و غیر انقلابی این شده که مثلاً ۱۶ آذر چه کار کنیم یا مثلاً چه کسی را دعوت کنیم و چند شعار رفع حصر بدهیم یا چه کسی را دعوت کنیم و چند شعار مرگ بر منافق بدهیم البته قصد مانفی این مسائل نیست، اما احتما کار ویژه جنبش دانشجویی این مسائل نیست.اگر تشکل‌های انقلابی بیایند و در رشته‌های خودشان مطالبه تخصصی کنند بعد از مدتی به موضوعاتی که عموم مردم با آنها درگیر هستند وارد می‌شوند مثلاً در مسائل کشاورزی بسیج دانشجویی فلان دانشکده کشاورزی می‌تواند برای رفع مشکلات کشاورزان اقدام کند و اگر این کارویژه در سایر حوزه‌ها به خوبی انجام شود آن وقت می‌توان گفت جنبش دانشجویی به عنوان یک طبقه توانسته با سایر طبقات و اقشار جامعه ارتباط بگیرد اما اگر همه تشکل‌ها مدام بگویند رفع حصر یا ادامه حصر و ۱۶ آذر و ۱۳ آبان و اردوی جنوب خب معلوم است که اتفاقی نمی‌افتد.

امروز در دورهای هستیم که کم‌تر گذارترین دوره جنبش دانشجویی پس از انقلاب محسوب می‌شود. کم‌اثری جنبش دانشجویی نیز به این علت است که این جنبش به صورت تخصصی سراغ مطالبات اصلی نمی‌رود. از طرفی جنبش دانشجویی باید کیفیت اعضای خود را بالا ببرد، چون با افزایش کیفیت هر عضو در آینده می‌تواند ده‌ها تشکل را پیش برد یا اینکه هر نفر گری از کار کشور را باز کند. اینکه آمار می‌دهند که فلان تشکل دانشجویی چند نفر عضو دارد خوب است، اما این آمارها درست مانند این است که می‌گویند در کشور ۴/۵ میلیون نفر دانشجوی داریم. خوب این تعداد دانشجو چه دردی از ما دوامی کند؟ اصلاً ما چه چیزی داریم به این دانشجویان یاد می‌دهیم؟ الان وضعیت به گونه‌ای است که هر کس اراده کند وارد دانشگاه شود تقریباً هیچ مانعی جلوی او نیست به همین دلیل امروز با این همه فارغ‌التحصیل بیکار روبه‌رو هستیم.

با وجود این در کنار وضعیت پدیرش دانشجو در دانشگاه‌ها همین وضعیت را نیز در تشکل‌های دانشجویی شاهد هستیم. مثلاً فلان تشکل می‌گوید که من فقط می‌خواهم تعداد اعضای تشکل را افزایش دهم به همین دلیل به روش‌های زرد روی می‌آورند و اینها هیچ کمکی به افزایش کیفیت تشکل نمی‌کند.

Javanonline.ir

به جوان دوباره نگاه کن

در اوایل دهه ۸۰ مفهوم کرسی‌های آزاداندیشی برای نخستین بار توسط مقام معظم رهبری مطرح شد و پس از آن در سال ۸۴ در دیدار دانشگاهیان کرمان و در سال ۸۵ در دانشگاه سمنان به صراحت راه‌اندازی این کرسی‌ها را از دانشجویان مطالبه کردند. اما این مطالبه آن طور که باید و شاید از سوی دانشجویان پیگیری نشد تا آبان‌ماه سال ۸۸ که مجدداً رهبری این مطالبه را این بار به صورت جدی‌تری در جمع نخبگان علمی خطاب به دانشجویان مطرح کردند. تا سال ۸۸ اگر چه موعی در کشور ایجاد نشده بود و لفظ کرسی فراگیر نشده بود ولی برنامه‌هایی که همان ویژگی‌های برنامه‌های آزاداندیشانه را داشته باشند کم و بیش بر گزار می‌شد ولی نه با نام کرسی و نه به تعداد زیاد. آبان ۸۸ (پس از صحبت‌های رهبری) یک‌اول اتفاق افتاد و اولین موج فراگیر کرسی‌ها آغاز شد. دانشگاه‌های زیادی به فکر برگزاری برنامه افتادند و در دانشگاه‌ها برنامه‌های خوبی برگزار شد اما به چند دلیل این موج فروکش کرد. این دلایل عبارت‌اند از:

۱- عدم درک جدی ضرورت برنامه ضرورت برنامه و اینکه کرسی یک راهبرد اساسی برای پیشرفت کشور در این برهه حساس است خوب فهم نشد و به برکات بسیار زیادی که کرسی‌ها می‌توانست به همراه خود بیاورد توجهی که باید می‌شد، نشد. ۲- نداشتن مدل‌های اجرایی برنامه کرسی یک حرف جدید بود و تشکل‌های دانشجویی نمی‌دانستند این مفهوم با چه ساز و کاری اجرایی خواهد شد. بنا بر همین ضرورت بود که بسیج دانشجویی دانشگاه امیرکبیر در سال ۸۸ اقدام به تهیه و توزیع نشریه تخصصی انعکاس با موضوع کرسی‌های آزاداندیشی کرد تا این خلأ را پر کند ولی به هر حال این ضعف باعث توقف بعضی از دانشگاه‌ها شد.

۳- امنیتی بودن فضا ذات کرسی‌ها همراه با ایجاد یک فضای آزاد و نامق و اخلاق است که ایجاد این فضای آزاد در بحبوحه فتنه ۸۸ با موضع سختگیرانه و امنیتی برخی نهادها سازگاری نداشت. در ادامه که به تدریج دانشگاه‌ها از این فضای سنگین امنیتی فاصله گرفتند، می‌توان گفت که کرسی‌ها رونق بیشتری پیدا کرد. در فاصله تابستان ۸۸ تا مهر ۹۰، این روند ادامه داشت و به رغم فروکش کردن موج برخاسته از صحبت‌های سال ۸۸، دانشگاه‌هایی به صورت جدی مشغول برگزاری کرسی بودند ولی باز هم فراگیر نبود تا اواخر مهر ۹۰، رهبر انقلاب در دیدار با نخبگان علمی کشور تأکید دوباره‌ای (با ادبیات خود ایشان تذکر صد باره‌ای) فرمودند. اینجا بود که موج دوم فراگیری کرسی‌ها آغاز

در سال ۹۳ در ۱۱۳ دانشگاه کشور حدود ۵۳۰ برنامه کرسی‌های آزاداندیشی برگزار شده است. باید توجه داشت این ۱۱۳ دانشگاه، دانشگاه‌های بزرگ‌تر و به لحاظ تشکیلی قوی‌تر از سایرین هستند. اما باید توجه داشت که این تعداد از دانشگاه‌ها به نسبت کل، کمتر از ۱۰ درصد مراکز آموزش عالی کشور هستند

دانشگاه

آزاداندیشی در حصار محافظه‌کاری مسئولان و دانشجویان



خبرگزاری فارس

شد و این بار بسیار عمیق‌تر و گسترده‌تر از قبل و تا به امروز هم ادامه دارد. در مورد عوامل فراگیری این موج دوم نیز می‌توان نکاتی را عرض کرد: –این‌نامه فراگیر ابلاغی توسط وزیر علوم که موجب جدی شدن مسئولان دانشگاه در این مقوله شد. –وجود مدل‌ها و شیوه‌های متنوع اجرای مشکلات از فعالان دیروز جنبش دانشجویی – جدی‌تر شدن نهادهای اصلی درگیر در موضوع مثل وزارت علوم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، سازمان بسیج دانشجویی….

– کمتر شدن فضای سنگین امنیتی نسبت به دو سال گذشته

– دیده شدن بزرکات جدی کرسی‌ها در دانشگاه‌ها

روند رو به رشد تلاش برای برگزاری کرسی در دانشگاه‌ها تا به امروز ادامه دارد و برخی از تشکل‌های دانشجویی به خصوص بسیج دانشجویی در فاصله تابستان و تعطیلاتی

دانشگاه‌ها، برای بیش از ۱۰ هزار نفر دوره‌های مختلفی را برگزار می‌کند که آموزش تخصصی کرسی‌های آزاداندیشی از اصلی‌ترین مباحث این دوره‌ها می‌باشد. همچنین برخی تشکل‌ها همانند انجمن اسلامی دانشجویان مستقل و جامعه اسلامی دانشجویان نیز در این عرصه فعالیت‌هایی داشته‌اند.

نکته مهم دیگر اینکه تعداد قابل توجهی از دانشگاه‌های کشور اولین کرسی‌های خود را در سال ۹۱ شروع کردند. در همان سال آمارهای گرفته شده توسط هسته‌های آزاداندیشی بسیج دانشجویی نشان می‌دهد که در ۱۱۳ دانشگاه کشور حدود ۵۳۰ برنامه کرسی‌های آزاداندیشی برگزار شده است. باید توجه داشت این ۱۱۳ دانشگاه، دانشگاه‌های بزرگ‌تر و به لحاظ تشکیلی قوی‌تر از سایرین هستند و احتمال می‌رود که در زمینه کرسی‌ها نیز بسیار فعال تر بوده باشند اما باید توجه داشت که این تعداد از دانشگاه‌ها به نسبت کل، کمتر از ۱۰ درصد مراکز آموزش عالی کشور هستند. با این حساب می‌توان برنامه‌های برگزار شده را تا دو برابر این مقدار در آن سال تخمین زد که این آمار نشان دهنده برگزاری حدود هزار برنامه درست و دقیق کرسی‌ها می‌باشد. این تعداد برنامه کرسی یک آمار خوب برای تشکل‌های دانشجویی محسوب شد. شناخت اعم مشکلات و موانع، شامل دست‌بندی و اولویت‌بندی در برگزاری بیشتر و اصولی‌تر کرسی‌های آزاداندیشی می‌تواند برای دانشگاه‌ها و تشکل‌های دانشجویی بسیار مهم و تأثیرگذار باشد. در ادامه به مهم‌ترین مشکلات این حوزه و همچنین راه‌حل‌های پیشنهادی آن می‌پردازیم.



دانشجویان است. در دانشگاه دو اقلیت وجود دارند که ذهنشان با مسائل سیاسی، اجتماعی و اندیشه‌ای درگیری نسبتاً بیشتری دارد اما اکثریتی هم وجود دارد که آنچنان میناهای با مسائل مزبور ندارند و از دیدن یک فیلم سینمایی طنز به صورت محسوسی بیشتر استقبال می‌کنند تا بحث روی یک موضوع معرفتی یا سیاسی. طبعاً دانشجویی از این جنس حوصله شنیدن بحث‌های عمیق، به عنوان مثال از ادعای بیان اهداف و ضرورت‌های غیراصیل برای راه‌اندازی کرسی‌ها و نگاه ابزاری به مقوله آزادی‌بیان است. مواردی مانند سوپاپ اطمینان بودن کرسی‌ها، همین مسئله موجب شده است دانشجویان آنها این است که تیم عنوان ضرورت امروز دانشگاه‌های جمهوری اسلامی نگاه نکنند و در بهترین حالت کرسی‌ها به عنوان کاری از کارهای یک تشکل دیده می‌شود نه راهبرد فعالیت‌های آن تشکل.

■ **محافظه‌کاری و ترس مسئولان دانشگاه‌ها**

مشکلات مختلفی ذیل این عنوان می‌توان برشمرد اما مهم‌ترین آنها این است که تیم مدیریتی دانشگاه به دلیل ناآشنایی با فضای آزاداندیشی، کرسی‌ها را تهدیدی برای سکون دانشگاه و دور کردن آن از فضای علمی محسوب می‌کنند و همین محافظه‌کاری منجر می‌شود که تمایلی به برگزاری کرسی‌ها نداشته باشند و حتی در پیش پای دانشجویان بزرگار کننده به اتحای مختلف سنگ‌اندازی می‌کنند اما برای رفع این مشکل باید کاری کرد که مسئولان و رؤسای دانشگاه‌ها نسبت به مسئله کرسی‌های آزاداندیشی کاملاً توجیه شوند به صورتی که به جای نگاه تهدیدمحور و رفع تکلیفی به کرسی‌ها آن را به عنوان مهم‌ترین فرصت برای تغییر جو فرهنگی و حتی علمی دانشگاه‌ها ببینند. به نظر می‌رسد وزارت تئین علوم و بهداشت از طرق مختلف می‌توانند این مهم را رقم بزنند. از طرفی با توجه به ابلاغ آیین‌نامه کرسی‌های آزاداندیشی از سوی وزارت علوم به نظر می‌رسد این وزارت‌خانه از این پس باید توجهش را به نظارت کیفی (و نه کمی و شکلی) بر همراهی مسئولان دانشگاه‌ها با روند کرسی‌ها معطوف کند و به صورت جدی با مسئولانی که بر سر راه کرسی‌ها مانع‌تراشی می‌کنند، برخورد کند.

■ **سطحی شدن دانشجویان و بی تفاوت شدن به مسائل جامعه**
مشکل دیگری که می‌توان در عرض مشکل مسئولان دانشگاه‌ها مطرح کرد، سطحی شدن دانشجویان و تشکل‌های آن است. دانشجویان مدت زیادی نیست که با مفهوم کرسی‌های آزاداندیشی و اقتصادات آن به صورت جدی درگیر شده‌اند و از دیدن یک فیلم صاحب‌نظران نیز هنوز روی این موضوع و مسائل مرتبط با آن مانند حد آزادی بیان، مباحث فقهی–حکومتی…، کارهای عمیق و دقیق که پاسخگوی سؤالات برآمده از فضای عملیات باشد، انجام نشده است. هر چند در طول چند سال گذشته فهمی که دانشجویان در مورد آزاداندیشی کسب کرده‌اند رشد چشمگیری داشته است اما همچنان احساس می‌شود که این مفهوم و جوانب مختلف آن کاملاً از سوی دانشجویان در کشه است، هر چند این ادعای بیان اهداف و ضرورت‌های غیراصیل برای راه‌اندازی کرسی‌ها و نگاه ابزاری به مقوله آزادی‌بیان است. مواردی مانند سوپاپ اطمینان بودن کرسی‌ها، همین مسئله موجب شده است دانشجویان آنها این است که تیم عنوان ضرورت امروز دانشگاه‌های جمهوری اسلامی نگاه نکنند و در بهترین حالت کرسی‌ها به عنوان کاری از کارهای یک تشکل دیده می‌شود نه راهبرد فعالیت‌های آن تشکل.

■ **سطحی شدن دانشجویان و بی تفاوت شدن به مسائل جامعه**
مشکل دیگری که می‌توان در عرض مشکل مسئولان دانشگاه‌ها مطرح کرد، سطحی شدن دانشجویان و تشکل‌های آن است. دانشجویان مدت زیادی نیست که با مفهوم کرسی‌های آزاداندیشی و اقتصادات آن به صورت جدی درگیر شده‌اند و از دیدن یک فیلم صاحب‌نظران نیز هنوز روی این موضوع و مسائل مرتبط با آن مانند حد آزادی بیان، مباحث فقهی–حکومتی…، کارهای عمیق و دقیق که پاسخگوی سؤالات برآمده از فضای عملیات باشد، انجام نشده است. هر چند در طول چند سال گذشته فهمی که دانشجویان در مورد آزاداندیشی کسب کرده‌اند رشد چشمگیری داشته است اما همچنان احساس می‌شود که این مفهوم و جوانب مختلف آن کاملاً از سوی دانشجویان در کشه است، هر چند این ادعای بیان اهداف و ضرورت‌های غیراصیل برای راه‌اندازی کرسی‌ها و نگاه ابزاری به مقوله آزادی‌بیان است. مواردی مانند سوپاپ اطمینان بودن کرسی‌ها، همین مسئله موجب شده است دانشجویان آنها این است که تیم عنوان ضرورت امروز دانشگاه‌های جمهوری اسلامی نگاه نکنند و در بهترین حالت کرسی‌ها به عنوان کاری از کارهای یک تشکل دیده می‌شود نه راهبرد فعالیت‌های آن تشکل.

امید است شکل‌گیری موج‌های مقطعی آزاداندیشی به یک رسالت دائمی و یک وظیفه خطیر برای جنبش دانشجویی تبدیل شده و شاهد کرسی‌هایی با ضرب کیفی بالا و دقیق در فضای منطقی و مسالمت‌آمیز برای تبیین حق و عدالت‌خواهی باشیم و همچنین کرسی‌های آزاداندیشی به رفع مشکلات گفتمانی، معیشتی و اعتقادی مردم بینجامد.

درد

هر چند در طول چند سال گذشته فهمی که دانشجویان در مورد آزاداندیشی کسب کرده‌اند رشد چشمگیری داشته است اما همچنان احساس می‌شود که این مفهوم و جوانب مختلف آن کاملاً از سوی دانشجویان در کشه است، شاهد این ادعا بیان اهداف و ضرورت‌های غیراصیل برای راه‌اندازی کرسی‌ها و نگاه ابزاری به مقوله آزادی‌بیان است

دانشجویان است. در دانشگاه دو اقلیت وجود دارند که ذهنشان با مسائل سیاسی، اجتماعی و اندیشه‌ای درگیری نسبتاً بیشتری دارد اما اکثریتی هم وجود دارد که آنچنان میناهای با مسائل مزبور ندارند و از دیدن یک فیلم سینمایی طنز به صورت محسوسی بیشتر استقبال می‌کنند تا بحث روی یک موضوع معرفتی یا سیاسی. طبعاً دانشجویی از این جنس حوصله شنیدن بحث‌های عمیق، به عنوان مثال از ادعای بیان اهداف و ضرورت‌های غیراصیل برای راه‌اندازی کرسی‌ها و نگاه ابزاری به مقوله آزادی‌بیان است. مواردی مانند سوپاپ اطمینان بودن کرسی‌ها، همین مسئله موجب شده است دانشجویان آنها این است که تیم عنوان ضرورت امروز دانشگاه‌های جمهوری اسلامی نگاه نکنند و در بهترین حالت کرسی‌ها به عنوان کاری از کارهای یک تشکل دیده می‌شود نه راهبرد فعالیت‌های آن تشکل.

■ **نداشتن احساس امنیت در بعضی از دانشجویان**

الحای قاسی امنیتی بودن دانشگاه از سوی عده‌ای مغرض در درون و بیرون دانشگاه‌ها، بر خوردها ناچا و به دور از سعه‌صدر مسئولان حراست برخی دانشگاه‌های غیرمسئولانه به بحث‌های درون دانشگاه از طرف نهادهای بیرون دانشگاه موجب شده است که در برخی دانشگاه‌ها شاهد ادعای فقدان آزادی بیان باشیم. این ادعا در برخی موارد واقعی و در برخی موارد واقعوی و کاذب است. شایان ذکر است این مشکل در دانشگاه‌های اصلی تهران و برخی دیگر از دانشگاه‌های بزرگ کشور نمود بیشتری دارد و در واقع با همین بهانه با نوعی تحریم این جلسات از سوی طیفی از دانشجویان مواجهیم که البته این ادعا محدود به این طیف نمی‌ماند و دائماً به فضای سایر طیف‌های دانشجویی نیز کشیده می‌شود و همین امر به مانعی جدی برای با گرفتن کرسی‌های آزاداندیشی در این دانشگاه‌ها تبدیل شده است.

با بررسی دقیق‌تر مشکلات و موانع برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی، این موانع و مشکلات به شرح زیر دسته‌بندی می‌شوند:

– مشکلات جانب مسئولان دانشگاه

– سطحی شدن دانشجویان و بی تفاوتی آنها

– مشکل آیین‌نامه‌های وزارت علوم

– مشکلات امنیتی خارج از دانشگاه‌ها

حرف استاد

برآوردربعین‌فانی‌ای یار...



دکتر محسن ردادی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

۴۰سالگی همواره آغاز یک مرحله جدید در زندگی انسان تلقی می‌شده است. در معارف اسلامی کسی که ۴۰ سال از عمرش گذشته باشد را دارای «کمال عقل» می‌دانند. اکنون عمر جمهوری اسلامی به ۴۰ رسیده است و این یعنی باید چهره جدیدی از جمهوری اسلامی انتظار داشته باشیم.

در این ۴۰ سال که با فراز و نشیب‌ها، نقاط قوت و ضعف، خطاها و بحران‌ها جمهوری اسلامی رشد کرد و بالید دارای تجربه‌های ارزشمندی شده است. این تجربه‌ها حتماً باید در ۴۰ سال بعدی حکومت مورد توجه قرار گیرد. انقلاب اسلامی این ظرفیت را دارد که نظام سیاسی را عقلانی و هوشمند سازد زیرا در اصل انقلاب اسلامی یک اندیشه و معرفت است که البته در آن شور و احساسات هم وجود دارد. تا کنون و در این ۴۰ سال بیشتر به جنبه حماسی و شورآفرین انقلاب توجه شده است و از جنبه عقلانیت انقلاب غافل بودیم. انقلابی نبودن در افکار عمومی گاه مترادف هیجان، عدم مدارا، بی‌توجهی به علم و دانش، حتی بی‌نظمی و بی‌قانونی است. در صورتی که این صفات نه ذات انقلاب است و نه اصلاً قاطبه انقلابیون این صفات را دارا هستند. سیدالغافل‌ها که رهبر انقلاب اسلامی هستند به هوشمندی، مطالعه، قانونمندی و مردم‌مداری معروف هستند اما اندک خطا کاران انقلابی و رسانه‌های معاند چنین ذهنیتی از انقلابی بودن ایجاد کرده‌اند.

در دهه چهارم انقلاب نهادهای تولیدکننده معرفت و عقلانیت در جمهوری اسلامی لازم است برای بسط عقلانیت در حاکمیت و در میان عموم مردم تلاش کنند و اندیشه انقلاب اسلامی را رشد و گسترش دهند. انقلاب در قالب احساسات و هیجانات سطحی نمی‌تواند برد و عمر زیادی داشته باشد. عقلانی شدن هر مکتب و تفکر است که باعث طول عمر آن می‌شود. وابسته کردن جمهوری اسلامی به عایق و احساسات ملی (شاعر و سرودهای وطن پرستانه)، مصرف کردن نام و یاد شهید، خرج کردن از حساسیت‌های مذهبی مردم، یادآوری مکرر مخاطرات، تهدیدها و دشمنی‌هایی که در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی جریان دارد همگی تاکافی و دارای طول عمری محدود هستند. معناد شدن نظام سیاسی به برگزاری انتخابات مردمی در ایام انتخابات، بحران‌ها و تلاطمات سیاسی – اجتماعی در بلندمدت آسیب‌زاست و کم‌کم اثر کربخشی خود را از دست می‌دهد. عقلانی شدن روندها موضوع درج آیدند جمهوری جمهوری اسلامی در این چند دهه، عقل‌رس‌تر شده‌اند و انتخاب‌های عقلایی‌تری دارند و بیش از برانگیختن احساسات با زبان عقل و تدبیر با آنها سخن گفت.

اینجاست که اندیشوران انقلابی باید هر چه بیشتر در مسیر عقلانی‌تر شدن انقلاب پیش بروند و البته مسئولان نیز باید زمینه را برای این امر فراهم سازند. تقویت رویکرد عقلانی به انقلاب اسلامی به جای رهیافت احساساتی و هیجانی، مستلزم البته لازم است فضای تضارب‌جمهوری، باورمندان و منتقدان نظام سیاسی باشد نه اینکه بهانه باز هم ملاحظات امنیتی در مقابل اسلامی باید بتوانند با منتقدان و حتی معاندان انقلاب در یک فضای منطقی دیالوگ برقرار کنند. قطع رشته گفت‌وگوی منطقی و شقیق‌شده حوزه عمومی (public sphere) منجر به کاهش عقلانیت در جمهوری اسلامی می‌شود. به همین منظور لازم است عرصه گفت‌وگو بازتر و فراخ‌تر شود. بحث کرسی‌های آزاداندیشی گامی بسیار مهم بود که البته لازم است صحنه تقابل جدی‌تر باورمندان و منتقدان نظام سیاسی باشد نه اینکه بهانه باز هم ملاحظات امنیتی در مقابل اسلامی و به خصوص جوانان اعتماد داشته باشند مطمئناً در سیردن دفاع از مرزهای فکری و اندیشه‌های انقلاب اسلامی تردید نخواهند کرد اما به نظر می‌رسد در این واسپاری تردید وجود دارد و به همین دلیل است که باز هم تلاش می‌شود با بستن فضای عمومی، گستردن مقررات و قوانین به عرصه‌های فکری و نیز مراقبت‌های امنیتی مانع شکل‌گیری گفت‌وگو میان دافعان و منتقدان نظام جمهوری اسلامی در سطح عمومی شوند.

به جای این تمهیدات امنیتی و مراقبت‌های غیر لازم بهتر است نهادهای امنیتی به مسئله نفوذ که مورد تأکید رهبر انقلاب است بپردازند که در بسیاری از نهادهای دولتی رسوخ کرده است. این نفوذی‌ها هیچ نشانی از وابستگی آنها به دشمن ندارند، بلکه به عنوان کارشناس و مشاور در حساس‌ترین مراکز سیاستگذاری و تصمیم‌سازی ظاهر شده‌اند. به عنوان مثال این پرسش را مطرح می‌کنم که چه کسانی در مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری حضور دارند که در جدیدترین گزارش، از سپاه پاسداران خواسته شده به محویت وزارت امور خارجه در دیپلماسی عمومی تن دهد؟ (و به این وسیله زمینه برای مذاکره موشکی و خلع سلاح موشکی فراهم شود). چرا باید در ۱۴ بهمن ۱۳۹۶ یعنی درست یک روز پس از تاجاره به بی‌حجابی سازماندهی شده توسط ضدانقلاب‌ها در خیابان‌های تهران به منظور تحت فشار قرار دادن نظام جمهوری اسلامی برای تجدیدنظر در قانون حجاب، شبکه مطالعات سیاستگذاری عمومی (وابسته به نهاد ریاست جمهوری) به عنوان تئیر یک عکس تمام صفحه از یکی از این معترضان به همراه روسوی بر سر چوب منتشر کند و از نارضایتی نیمی از مردم تهران از قانون حجاب سخن بگوید؟ آیا نباید رد پای نفوذ را در این مراکز که راهبری دستنه‌های سیاستگذاری جمهوری اسلامی را بر عهده دارند جست‌وجو کرد؟ اگر مقامات امنیتی عرصه فکر و اندیشه را به جوانان انقلابی بسپارند تا از کبان جمهوری اسلامی دفاع کنند، در این صورت به اندازه کافی فراغت می‌یابند که به امور مهم‌تری مانند نفوذ دشمنان در نهادهای دولتی و سیاستگذاری بپردازند.